



روش‌شناسی تفسیر ما نیازمند توجه به زیرساخت‌ها، به‌ویژه مبانی کلامی است

علم روش‌شناسی تفسیر در حوزه‌های ما بسیار بی‌رمق و ضعیف است؛ روش‌شناسی ما نیازمند شروع از مبانی است، به‌ویژه آن‌که چون سخن از تفسیر کلام خداوند در میان است، به صورت قطع و دقیق، مبانی کلامی در صدر و رأس این مبانی جای گرفته‌اند.

علم روش‌شناسی تفسیر در حوزه‌های ما بسیار بی‌رمق و ضعیف است؛ روش‌شناسی ما نیازمند شروع از مبانی است، به‌ویژه آن‌که چون سخن از تفسیر کلام خداوند در میان است، به صورت قطع و دقیق، مبانی کلامی در صدر و رأس این مبانی جای گرفته‌اند.

حجت‌الاسلام و المسلمین احمد مبلغی، مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به ارائه سخنانی درباره قواعد حاکم بر تفسیر و چگونگی تأثیر مبانی کلامی بر مراحل مختلف تفسیر پرداخت.

وی با اشاره به ضرورت توجه به مقتضیات منطقی علم مطلق الهی و بازتاب‌های آن به عنوان یکی از نخستین مبانی کلامی تفسیر، اظهار کرد: درستی و کمال، واقع‌نمایی و حقیقت‌نمایی مضمون و قابلیت انتقال آن به نسل‌های مختلف، سه بازتاب منطقی علم الهی است.

رئیس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی ادامه داد: برخی از مقتضاهای علم خداوند در ارتباط با تفسیر بدون هیچ ضمیمه‌ای از خود علم برمی‌خیزد و می‌تواند تحقق پیدا کند، ولی اثبات وقوع این مواردی که به شکل ثبوتی می‌تواند مترتب بر علم بشود، یا به ضمیمه کردن حکمت مربوط و منوط است و یا به یک دلیل خارجی برمی‌گردد.

این استاد حوزه و دانشگاه در بخش دیگری از سخنان خود، مبنای #171 حکمت الهی را یکی دیگر از مبانی کلامی تفسیر برشمرد و گفت: حکمت بدان معناست که خداوند کار عبث نمی‌کند و این مطلب بسیار در تفسیر مهم و تأثیرگذار است.

وی ادامه داد: اقتضای حکمت خداوند در تفسیر نسبت به علم الهی جنبه مکملی دارد، چون مقتضای علم الهی این است که خداوند می‌تواند در نص خود لایه‌هایی از معنا و مضمون و طبقاتی مترکب از معانی و مضامین را تعبیه کند و بگنجاند، ولی این حکمت الهی است که به عنوان مکمل تبیین می‌کند که خداوند گنجانده است یا ننگنجانده و یا اگر گنجانده، به‌گونه‌ای گنجانده که قابل فهم و فهم‌پذیر باشد و در صورت قابل فهم بودن، در چه سطحی و با چه شرایطی قابل فهم باشد.

ما بی‌محبابا و سراسیمه پای به عرصه تفسیر گذاشته‌ایم؛ بی‌آنکه روش‌شناسی تفسیر کرده باشیم. علم روش‌شناسی در حوزه‌های ما وجود ندارد و اگر هم هست، بی‌رمق و بی‌جان و ضعیف و بی‌بنیه است و یا به صورتی مفرداتی از هم جدا و جسته و گریخته است.

مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی عنوان کرد: در حقیقت #171 حکمت هم برای اثبات تحقق مواردی که براساس علم خداوند ثبوتاً امکان‌پذیر است و هم از حیث اثبات ارائه شدن آنها به‌گونه‌ای که فهم‌پذیر باشد و هم حد و حدود و قیود این فهم‌پذیری، یک نقش مکمل را دارد.

وی در تکمیل و تشریح این مطلب بیان کرد: حکمت یک نقش تکمیل‌کنندگی نسبت به علم خداوند در سه بخش دارد: نخست اثبات اصل تحقق آنچه که ثبوتاً می‌تواند مقتضای علم خداوند باشد؛ یعنی حکمت است که می‌گوید خداوند حتماً این کار را کرده است و گرنه وقوع در عبث شکل می‌گیرد. حوزه دوم فهم‌پذیری آنچه که تحقق یافته و حوزه سوم حدود و قلمرو این فهم‌پذیری است.

مبلغی با توضیح این مطلب خاطرنشان کرد: این سخن بدان معناست که ما با ضمیمه کردن حکمت می‌توانیم نتایجی بر مبنای علم خداوند مترتب کنیم. همچنین در مواردی صرفاً علم و حکمت می‌تواند ما را به نتیجه برساند و در مواردی نیز ما نیاز به تجربه‌های بیرونی و تجربه مواجهه با نص داریم و نیازمند یک ادله نقلی هستیم و این بحث بنده صرفاً ایجاد یک سرفصل و حوزه مطالعاتی که به صورت تفصیلی‌تر و تطبیق شده‌تر و تحقیق شده‌تر فرصت جداگانه‌ای می‌طلبد.

وی اضافه کرد: این یک حوزه مطالعاتی است که ما اگر بدون نور علم و حکمت و حتی رحمت و مبانی کلامی به تبیین، تعیین و تعریف روش تفسیری و روند حاکم بر تفسیر و سنجش خروجی‌های آن دست بزنیم، با ابهامات و کاستی‌هایی در این نگاه و تعریف خود مواجه خواهیم شد و سایه سنگین این خلأها و کاستی‌ها و ابهام‌ها در تفسیر ما آشکار خواهد شد و حرکت رو به پیشرفت تفسیر ما را کند خواهد کرد؛ بنابراین ما باید با مبانی کلامی آغاز کنیم.

مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: ما بی‌محایا و سراسیمه پای به عرصه تفسیر گذاشته‌ایم؛ بی‌آنکه روش‌شناسی تفسیر کرده باشیم. علم روش‌شناسی در حوزه‌های ما وجود ندارد و اگر هم هست، بی‌رمق و بی‌جان و ضعیف و بی‌بنیه است و یا به صورتی مفرداتی از هم‌جدا و جسته و گریخته است.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: روش‌شناسی ما نیازمند به شروع از مبانی است و مبانی کلامی در صدر و رأس این مبانی جای گرفته‌اند، به‌ویژه آن‌که چون سخن از تفسیر کلام خداوند در میان است، به صورت قطع و دقیق باید از مبانی کلامی آغاز کنیم. البته به نظر می‌رسد که گاهی در این حوزه تکه‌تکه‌هایی نسبت به این مسائل شده است، اما ایجاد یک علم به صورت منسجم و مدون یک چیز دیگر است.

رئیس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: به نظر می‌رسد که اگر ما به شکل تفصیلی وارد حوزه روش‌شناسی بشویم و ورودمان به تفسیر سراسیمه نباشد و از زیرساخت‌ها شروع کنیم، تفسیر دچار یک تحرك جدید خواهد شد و از این وضعیت ایستا و قفل شده خارج خواهد شد و فرآورده‌های عظیمی را در اختیار تشنگان معارف قرآنی قرار خواهد دارد.